

# موقعیت زن در ایران

نه شایاست که مردان را با زنان و زنان را با مردان قیاس نمود.  
 ما نیز در این نوشتار قیاس بین زن و مرد نکرده ایم.  
 در این نوشتار تنها به جایگاه زن در تاریخ و ادیان پرداخته ایم.

## پیش گفتار

زن از دیر باز در ایران نقش مهمی را در جامعه و دوران خود ایفا کرده است. در متن مصاحبه دکتر قطب الدین صادقی که به چاپ رسیده، وی زن را مظهر فرهنگ یک قوم دانسته و می گوید: «جامعه شناسان وقتی می خواهند راجع به فرهنگ ایران حرف بزنند به سراغ زن ایرانی میروند و در ادامه ذکر میکنند که در فرانسه انتشاراتی به نام سری وجود دارد که یک مجموعه کتاب در مورد همه کشورهای جهان از جمله ایران به چاپ رسیده است، در حالی که روی جلد تمامی آنها بدون استثنا عکس زنان و دختران آن کشورهاست.»

معمولا دیدگاه ها نسبت به زن ایرانی متفاوت است. گروهی او را در عهد باستان دارای مقام و منزلتی عظیم می دانند، گروهی دوره زمانی «مادرسالاری» برای این ارج و قرب قائل هستند. گروهی نیز وی را موجودی مظلوم و تحت سلطه معرفی نموده اند.

باید بر این مهم توجه داشت که زن در هیچ زمانی در جامعه با مرد تفاوتی نخواهد داشت و چیزی که تفاوتی بین این دو ایجاد میکند سیاست های میباید که گاهی در برخی موارد دین را نیز به کمک خویش می کشاند تا بر آنچه میخواهد دست پیدا کند. در این زمینه در جای خودش سخن خواهد رفت.

<sup>۱</sup> دکتر قطب الدین صادقی زن، مادر، اسطوره - روزنامه زن - سال اول مهر ۱۳۷۷ شماره ۵۳ ص ۸

## زن قبل از اسلام از نگاه تاریخ

موقعیت زن در نگاه کلی در باب شغل در ایران باستان با موقعیت مردان چنان که شواهد و مستندات بر ما معلوم میدارد تفاوت چندانی ندارد یکی از دلیل آن دین میبوده که در بخش بعد سخن خواهد رفت. زنان چه از عوام و چه از زنان حرم شاهی همواره پا به پای مردان در کارها و در جامعه کوشیده اند. در دوره هخامنشی در کارهای چون کشاورزی و دامداری شراکت داشته اند و به مردان خود در این باب کمک میکرده اند. در مردم عادی همانگونه که زن از لحاظ جسمانی ضعیف تر از مردان است کارهای آنها اقلب دوخت و دوز بوده است که در این مورد نیز اشاره شده است که در کارهای دوخت و دوز و لباس دوزی مردان زیر دست زنان کار میکرده اند<sup>۱</sup>. باید در نظر داشت که زنان همواره علاوه بر کارهای بیرون وظیفه سرو سامان دادن به امور خانواده را نیز بر گردن داشته اند. نکته مورد توجه دیگر آن که، زنان باردار برای به دنیا آوردن کودک خود مدتی از کار معاف می شدند و از حقوق خود به نسبت کمتر برخوردار بودند. انطور که از نوشته های مورخین و محققین بر می آید زنان از لحاظ دریافت حقوق با مردان برابر بوده اند و باید گفت در آن دوره میزان کار انجام شده و نوع کار مهم بوده است نه انجام دهنده کار.

**دیاگونف** در تاریخ ماد می نویسد دوران مادشاهی با انقراض سلسله ماد به پایان رسید و در حکومت هخامنشی زن و مرد از حقوقی برابر و یکسان برخوردار بودند. بنا به گفته دیاگونف؛ که او باز از قول کتزیاس؛ مورخ یونانی نقل میکند؛ دختر و داماد پادشاه در حکومت ماد میتوانستند قانونا مانند پسر وارث سلطنت او باشند. در جامعه مادها هنگامی که سیستم پدرشاهی جانشین مادشاهی گشت؛ مقام اجتماعی زن و حقوق او در خانواده همچنان محفوظ ماند؛ فقط تا حدی از اختیارات فوق العاده زن کاسته شد.

خاور شناس بزرگ دامارکی؛ **گریستن سن** میگوید: رفتار مردان نسبت به زنان در ایران باستان همراه با نزاکت بود. زن چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی اجتماعی از آزادی کامل برخوردار بود. در مورد آزادی در ازدواج هیچ چیزی مستندتر و موجه تر از رفتار خود زرتشت نسبت به دختر کوچکش **پروچیستا** نیست. زرتشت به دختر کوچکش پروچیستا می فرماید: پروچیستا من جاماسب را که مرد دانشمندی است ( وزیر گشتاسب و منجم و ستاره شناس معروف زمان) برای همسری تو برگزیدم؛ تو با خرد مقدس خود مشورت کن و ببین که آیا او را لایق همسری خود می دانی یا نه؟

<sup>۱</sup> - هاید ماری کخ بخش زن در شاهنشاهی ایران

ببینید یک دانشمند نظرش چنین است و بنا بر مستندات سخن گوید اما **علامه طباطبائی** نیز زبان گشوده سخنها میراند و برای ما زن را در سه دوره یا بهتر بگوییم، در مردمان غیر متمدن و ملل دارای شریعت و قانون و ملل متمدن پیش از اسلام تقسیم بندی مینماید. اما سخن در مورد ملل متمدن پیش از اسلام است وی در این گروه که مللی چون چین، مصر و ایران را شامل میشود گوید که:

این ملل کسانی هستند که طبق رسوم و آداب ملی قانونی داشتند. همه این ملل در این جهت مشترک بودند که زن نزد ایشان استقلال و آزادی در اراده و اعمال نداشت و تحت قیومیت و ولایت مرد می‌زیست و از جانب خود نمی‌توانست کاری، را انجام دهد و حق هیچگونه مداخله در امور اجتماعی از قبیل حکومت و قضاوت و غیره نداشت، و باید در تمام کارها از کسب و غیره با مرد همکاری کند و علاوه بر آن کلیه کارهای خانه را نیز انجام دهد، و هر چه که مرد فرمان دهد اطاعت نماید. وضع زن در این ملل بهتر بود زیرا کشته نمی‌شد گوشتش را نمی‌خوردند و بطور کلی از تملک اموال خود محروم نمی‌بود. در ضمن در اغلب این ملل بعد از مردن شوهر، زن حق ازدواج نداشت و هم چنین از معاشرت در خارج از خانه ممنوع می‌شد و هر یک از این ملل به حسب اوضاع و مناطق خصوصیتی داشتند.

ببینید بی اطلاعی تا چه حدی است. وی حتی فرق ملل متمدن و غیر متمدن را نمیداند و در این بخش از نوشته هایش خصوصیتی که ذکر میکند بیشتر درخور ملل غیر متمدن میباشد نه ملل متمدنی که قانون و فرهنگ داشته باشد. ما نمیدانیم ملتی که قانون دارد آیا این چنین رفتار را با افراد میکند چه زن چه مرد؟ شاید از نظر وی باید در آن دوره از ایران، اسلام میبوده تا سرو سامان به قانون و قضا دهد در غیر این صورت ملل دارای قانون نیز باید غیر متمدن باشند. این فرد حتی به جشنی که ایرانیان در آن دوره برای سپاسگذاری و ارج دانی زن به نام **اسپندارمد** مرسوم بوده آگاهی ندارد. و ندانسته یا به غرض می‌خواهد بگوید ایرانیان آن دوره دژخو بوده اند و پس از اسلام زن هویت خود را در ایران پیدا کرد.

دیگر چیزی که برای شناخت زن در دوره هخامنشی به ما کمک میکند منابعی است که وضعیت ازدواج زن را در آن دوره بر ما مشخص مینماید. ازدواج در آن دوره پنج نوع بوده است:

**پتخشاه زن یا پادشاه زن:** این زن همسر قانونی مرد بود. دوشیزه ای که برای نخستین بار ازدواج میکرد. وی از تمام مزایای ازدواج بهره مند بود و تمام امور خانه به دست وی بوده است.

**یوکان زن:** زمانی که پدر یا برادر دختری که دارای فرزند پسر نباشد با به شرطی به ازدواج فردی در میاید که نخستین پسر آن وارث خانواده مادری خود باشد. چنین زنی از پدر یا برادر خود سهم یک پسر ارث می‌برد و نام خانوادگی خود را به پسرش می‌داد. این زن زمانی که فرزندش پانزده ساله می‌شد بار دیگر به ازدواج همسر خود در می‌آمد.

**ستر زن:** این نوع ازدواج شباهت زیادی به ایوک زن داشت. با این تفاوت که از آن روی که هر مرد آریایی باید دارای وارث پسر بود زمانی که پسر جوانی بدون ازدواج از دنیا می رفت، خانواده اش جهیزیه دختری را می دادند و وی را به عقد پسر متوفی در می آوردند. بعد از ازدواج این زن با مرد دیگر فرزندشان وارث مرد درگذشته می شد. در مواردی گزارش شده است که این ستر زن خواهر متوفی بوده است.

**خودسر زن:** یکی دیگر از گونه های ازدواج خودرای زن یا خودسرزن بود. زمانی که دختری بدون رضایت پدر و مادر یا قیم خود با مردی ازدواج می کرد خود رای زن بود و از ارث خانوادگی محروم می شد. چنین زنی در برخی از موارد تا زمانی که پسری به دنیا نمی آورد یا رضایت خانواده خود را نمی توانست پتخشاه زن باشد.

**چکر زن یا چکر بانو:** زنی بود که پس از درگذشت همسرش به ازدواج مردی دیگر در می آمد. این زن باید زیر دست پتخشاه زن فرمان می برد و خود فرزندانش در صورتی که کذک بانو صاحب فرزند بود محروم بودند.

پس از این که دوران سراسیبهی هخامنشیان فرا میرسد و قدرت به دست هلنی ها میافتند وضع اجتماعی زن تغییر می کند. در زمان هلنی ها زنان زیادی از یونانیان در ایران زندگی میکردند و چون زن در یونان از تساوی حقوق با مردان برخوردار نبود لذا در سرنوشت زنان ایران نیز تاثیر گذاشت. و این دلیلش آن بود که در دینانت زرتشت هیچ مردی حق گرفتن بیش از یک زن را ندارد ولی زنان یونانی به صورت معشوقه مردان ایرانی در میامدند و این باعث میشد بنیان خانواده ایرانی از بین رود.

در زمان اشکانیان تا حدی موقعیت زن تحکیم میشود. در صورتی که هنوز اثری که هلنی ها بر زنان و مردان ایرانی گذاشته بود تا حدی وجود دارد. یکی این دلیل بود که زن در زمان اشکانیان موقعیتش در حد دوره هخامنشیان نبود دیگر آن که در زمان پارتیان به دلیل گسترش قلمرو، ایران با اقوام بسیاری برخورد میکرد و این نیز میتواند دلیلی باشد که زنان موقعیت قبل را نداشته باشند. اما این دو دلیل بر آن نمیشود که زنان در دوره پارتیان دور از اجتماع باشند.

دوره ساسانی را نمیتوان دوره خوبی برای زنان شمرد زیرا در این دوره خرافات بسیار وارد دین میشود و حتی جلوی مزدک اصلاح گری که شعارش برابری زن و مرد بود نیز گرفته میشود. به موجب متون زرتشتی ساسانی و به ویژه «ماتیگان هزار دادستان»، زنان اموال و مایملک مرد دانسته می شده و بهایی معین داشته اند. بهایی که معمولاً برابر با قیمت یک مرد برده، یعنی در حدود ۲۰۰۰ سکه نقره بوده است. این نکته همچنین از نخستین شواهد پیدایی برده داری در ایران عصر ساسانی حکایت می کند<sup>۱</sup>. در آن زمان

<sup>۱</sup> بنگرید به مدخل برده و برده داری در دانشنامه ایرانیکا

موبدان زنان را عامل اصلی انحراف از دین میدانستند. در کتاب بدهش چنین آمده است که اورمزد برای انجام زایمان موجودی را نیافت از این رء زن را انتخاب کرد، زنی که حتی خدا را میرنجاند و از تبار جهی (روسپی، دختر اهریمن) است. در آن دوره زنان حق تصمیم گیری نداشتند و در کل میتوان گفت زن در آن دوره یک برده بوده است. اما همانطور که اشاره شد به دلیل اضافه شدن خرافات در دین زن همچنین وضعیت را در زمان ساسانی دارد نه به دلیل اصل شریعت زرتشت.

در نامه تنسر که فقه ساسانی را توضیح داده است گونه دیگری از ازدواج آمده است که ابوریحان بیرونی از آن به عنوان ابدال نام برده می شد. اگر مردی بی پسر می مرد همسرش را به ازدواج یکی از نزدیکانش مرد در می آمد تا صاحب پسر شود. در صورت نداشتن زن دختر وی چنین وظیفه ای را داشت. اما در کنار این گونه ازدواج های رسمی و دائم گونه هایی از ازدواج موقت به چشم می خورد. این ازدواج ها ازدواج های استقرای نامیده می شد. گونه های ازدواج استقرای در کنار گونه های مختلف ازدواج در ایران باستان نوعی ازدواج مرسوم بود که به عنوان ازدواج استقرای نام برده می شد. در این نوع ازدواج شوهر حق دارد که زن اصلی خود را به مرد دیگری به جهت پرستاری و قرض دهد. در این مورد ازدواج رضایت زن مهم نبود. شوهر قرضی موظف بود. تا از این زن محافظت کرده و امرار معاش او را تامین کند. کودکانی که از این ازدواج قرضی به دنیا می آمدند متعلق به همسر اصلی زن است و به پدر خود تعلق نمی گیرند. به موجب قوانین دوران باستان هرگاه مردی به سفر یا جنگ می رفت و غیبتش به طول می انجامید و کسی از او خبری نداشت زن می توانست ازدواج کند. در صورتی که مرد باز می گشت او بار دیگر با شوهر اول خود زندگی می کرد. در صورتی که از مرد دوم باردار بود می ماند تا فرزندش به دنیا بیاید. در مورد تعدد زوجات در دوره باستان دلیل قانعی جز تعدد زوجات شاهان نیست.

## زن قبل از اسلام از نگاه دین

برای این که بهتر و بیشتر در مورد زنان قبل از اسلام بدانیم باید در مورد دین آن دوره مطالعه کنیم. همانطور که میدانیم در قبل از اسلام دینی که بیشتر و اکثریت بر آن بودند دیانت زرتشت بوده است. در تعالیم مزدایی هیچگونه تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد که اشاره خواهد شد.

در بندهش<sup>۱</sup> فصل ۱۵ آمده است که:

آنگاه اهورامزدا روان را که پیش از پیکر آفریده بود در کالبد مشیه و مشیانه بدمید و آنان جاندار گشتند. پس به آنان گفت شما پدر و مادر مردم جهان هستید. شما را پاک و کامل بیافریدم. هر دو اندیشه و گفتار و کردار نیک به کار بندید؛ و دیوان را پرستش مکنید. پس مشیه و مشیانه از جای خود به حرکت

<sup>۱</sup> - بنیاد افرینش

آمدند، و خود را شستشو کردند، و نخستین سخنی که بر زبان راندند این بود اهورامزدا یگانه است. او آفریننده ماه و خورشید و ستارگان و آسمان و آب و خاک و گیاهان جاندارن است.

در بخشی از فصل ۲۴ بندهش آمده است که:

پرسید دانا از مینوی خرد، که رد ( سرکرده) مردان کیست و رد زنان کیست؟ مینوی خرد پاسخ داد: که مرد دانا معتقد به دین سپاسگذار راستگو بر همالان رد است.

زن جوان درست گوهر استوار نیک نام خوش خیم خانه افروز که شرم و بیمش نیک و پدر و نیا و خویش را دوست دارد و زیبا و خوش اندام است بر زنان همال خویش رد است.

چنان که مشاهده میشود بنا بر دین مزدیسنی که عقاید زرتشتیان بر آن است زن و مرد هر دو از یک ریشه به وجود می آیند خداوند به آنها به یک زبان سخن می گوید و دستور یکسانی را به آنها میدهد. چنان که از این گفتار برمی آید زن و مرد را بر یکدیگر تفوق و امتیازی نیست و در آغاز خلقت یکسانند و در آخر نیز یکسانند. چنان که دین زرتشتیان گوید زمانی که سوشیانت نجات دهنده و منجی آید نیمی از کسانی که به او می پیوندند زنانند و نیمی دیگر مردانند.

دیگر مطلبی که حاکی از مقام زن در دیانت زرتشت میباشد این است که زرتشتیان عقیده بر شش امشاسپندان<sup>۱</sup> دارند که سه آنها مذکر و سه امشاسپند دیگر مونث میباشد شش مذکر چنین است:

**نخست: بهمن** - اندیشه نیک

**دوم: اردیبهشت** - راستی و درستی

**سوم: شهریور** - کشور جاودانی شهریار آسمان

سه امشاسپند مونث:

**نخست: سپندارمذ** - نمونه مهر و مظهر عشق

**دوم: خوردادها نورات** - کمال تندرستی

**سوم: امرداد** - بيمرگی و جاودانگی

زناشوی در این دین نیز یکی دیگر عملی است که هیچگونه تبعیض را بین زن و مرد قائل نمی شود. **گیگر** گوید: مردان بعد از زناشوی به « **نمان پیتی** » به معنی کدخدای خانه ملقب میشوند و زنان بعد از زناشوی به « **نمانو پیتی** » یعنی فروغ خانه خوانده میشوند که نشان از برابری در عقاید زرتشتیت دارد.

در جای از اوستا آمد است که مردی که زن دارد بر آنکه چنین نیست برتری دارد. این نیز نمونه جمله میباشد که نشان میدهد قبل از اسلام بر زن احترام گذاشته و وی را بزرگ و مایه خوشبختی میشمردند.

<sup>۱</sup> - امشاسپندان عبارت است از خدای بزرگ و دانا که مزدا نام دارد با شش نیروی بزرگ خود که به منزله شش فرشته است.

## پوشش و روگرفتن<sup>۱</sup>

چون در مورد زنان و موقعیت آن در تاریخ ایران گفته میشود باید در مورد روگرفتن و پوشش زنان قبل از اسلام نیز اشاره ای رود.

در مورد لباس و طرز پوشش زنان در آن دوره ایران یعنی قبل از اسلام اطلاعات کم ولی پر بها و مهمی به دست ما رسیده است. اما چیزی که باید به آن توجه کرد آن میباشد که تا کنون هیچ نقش و نگاره ای از زنان در تخت جمشید و شوش و پاسارگاد به چشم نخورده است. ولی چند تندیس از زنان با لباس های دوره هخامنشی که به دست باستان شناسان رسیده است زن را با موهای فر ریز که همانند پادشاهان ایران بوده است و لباسی چین دار که در تن پادشاهان در نگاره های گوناگون دیده میشود نشان داده است و این حاکی از آن است که زن و مرد در آن دوره از یک طرز پوشش لباس و آرایش «مد» پیروی میکردند.

اما در مورد روگرفتن زن قبل از اسلام نیز سخنان بسیار وجود دارد که نشان میدهد ایرانیان از دیرباز سعی بر این داشته اند که زنانشان را دور از مردم دیگر نگاه دارند برای مثال یکی از تاریخ نگاران به نام **پلوتارک** نوشته ارزشمندی را در این مورد برای ما به جا گذاشته است. وی گوید<sup>۲</sup>:

«اغلب بربرها<sup>۳</sup> مخصوصاً ایرانیان در مورد زنانشان طبعی بسیار حسود دارند. مردان ایرانی نه تنها بر این هستند که چشم بیگانگان بر زنانشان نیفتند، بلکه در مورد زنان خریداری شده و برده خود نیز چنین حسی را دارند. زنان در زمان سفر در حصار چادر ارابه قرار میگیرند.»

دیگر آن که زمانی که تمیستوکلیس مجبور به فرار به ایران شد میزبانش نیکو گنیس تدبیری بدینسان اندیشید که چون مردم ایران زنان را از دیگران دور نگه میدارند، هرگاه به جای سفر میکنند آنرا در چادرهای گذاشته و بر گردونه های مینشانند. برای تمیستوکلیس نیز همچنین کردند و به وی گفتند اگر کسی در راه پرسید بگویند دختر جوانی را از ایونا برای یکی از بزرگان پارسی میبرند.

اینها به خوبی این را میرساند که از دیرباز در ایران روگرفتن بوده است اما دلیلش را چنان که از نوشته های پلوتارک و دیگر نویسندگان و مورخین بر میآید یک حس و عادت بوده که مردان ایرانی نسبت به زنان داشته و آنها را به دور از بیگانگان قرار میداده اند. اما این روگیری که مردان بر زنان بایا میدانستند مانع از فعالیت زنان در اجتماع نمی شده است.

<sup>۱</sup> در این مورد در جای خود سخنی کلی خواهد رفت

<sup>۲</sup> - تمیستوکلیس، بند ۲۶

<sup>۳</sup> - یونانیان خارجی ها را بربر می نامیدند

اما در مورد دین آن دوره یعنی شریعت زرتشت با روگرفتن باید ذکر شود که در این دین هیچ دستوری مبنی بر روگرفتن داده نشده است. در کتاب مقدس زرتشتیان اوستا نیز چیزی در این باب ذکر نشده است. در مورد دین های که بعد از زرتشت تا قبل از اسلام به وجود آمد به دلیل این که همه به گونه ای از عقاید زرتشت بوده چیزی در مورد روگرفتن یا به معنی خاصی که امروزه جا افتاده و جنجالی بر پا کرده یعنی حجاب، (در موردش سخن خواهد رفت) نیامده است.

### چند سخن از زرتشت در مقام زن

این زمین را که پناهگاه ما است، با زنانی که در آن هستند می‌ستاییم، ما زنانی را می‌ستاییم که از پرتو راستی ممتازند (گاتاها- یسنای ۳۸ بند ۱)

در بند ۵ گاتها زرتشت خطاب به همه پسران و دختران جوان می‌گوید ای دختران شو کننده و ای دامادان اینک شما را می‌آموزم و آگاه می‌کنم، پندم را به خاطر بسپارید، و برابر اندرزم رفتار کنید تا در زندگی سعادت‌مند نائل گردید. هر یک از شما باید در پیمودن را زناشویی و مهرورزی و پاکی و نیکی بر دیگری سبقت جوید، زیرا تنها بدینوسیله می‌توان به یک زندگی سراسر شادی رسید.

کدبانوی پاک و سرور پاکی خانواده را می‌ستاییم (یسنای ۲۶ بند ۸)

ستایش به جای می‌آورم از برای فروهرهای پاک‌دینان و از برای زنان با گروه فرزندان (یسنای ۳۱ بند ۶)

با این نماز و ستایش فروهر نیک توانای مقدس پاک‌دینان را خواستار ستاییدن هستم و زنان کاردان با گروه فرزندان پیشرو را خواستار ستاییدنم (یسنای ۳۲ بند ۶)

کسی که در خان و مانس اشوی نیک زیبایی درخشان به در آید، دختری زیبا پیکر، نیرومند، خوش‌اندام، کمر بمیان بسته، بلند بالا، مجلل و آزاده‌نژاد، خرامان شود (فروردین یشت - فرگرد ۱۰۷)

هورمزد به زن فرمود: ای زن تو آفریده شده‌ای که مردان نام‌آور و پارسا را به وجود آورده در آغوش پر از مهر و محبت مادرانه خود به پرورانی تا به وسیله آنان ریشه دشمن راستی و پاکی از جهان برکنده شود، پیروزی خواسته اهورایی بر مردم پدیدار شود. ای زن از بدی و گمراهی به‌پرهیز، به زاد و افزایش پارسیان به کوش من که هورمزد، تواناترین توانایم، آیینی را در جهان استوار داشتیم که از زایش فرزندان پاک و کاردان تو جهان از بدان پاک و داد راستین اهورایی بر مردم آشکار و بی‌گمان شود. (از بندهش)

ای اهورامزدا زنان این سرزمین را می‌ستاییم و زنانی که آیین راستی و نیکی برخوردارند. (در

هات ۳۸ یسنا)



## زنان بعد از اسلام

بعد از فروپاشی ساسانیان و خزش اعراب بر ایران که خود بحثی جداگانه دارد، آنها تمام دین ها را باطل و اسلام را دین بر حق می شمردند، تمام شهر ها و دیه ها را به نام نشر و گسترش اسلام مورد تاخت و تاز قرار میدادند. اعراب برای ایرانیان دو راه گذاشتند: نخست، مسلمان شوند و در **امان** باشند. دوم، جزیه بپردازند. پیداست که اکثر ایرانیان قدرت پرداخت جزیه را نداشتند و راهی جز اسلام آوردن و در **امان** ماندن نداشتند!!! باید اشاره شود که بعد از خزش اعراب دیگر شرایط زن ایرانی مانند گذشته مطلوب نبود. این نکته نیز باید گفته شود که پایه های مردسالاری و حقیر شمردن زن در اواخر دوره ساسانی گذاشته شده بود. در هر صورت برای شناخت زن بعد از اسلام باید ابتدا دین اسلام را مورد بررسی قرار داد تا بتوان موقعیت زن را در جامعه بعد از اسلام درک کرد. و بهترین منابع که به ما یاری میکند تا مقام و حقوق زن را در دین بدانیم احادیث و آیات قرآن میباشد. ما میدانیم که اسلام برای زن جایگاه ویژه ای را قائل است. و همه ما آیاتی و احادیثی در باب جایگاه زن که به نیکی یاد شده شنیده و خوانده ایم. در این قسمت قصد تکرار آن آیات و احادیث را ندارم بلکه چند آیه و حدیث میآورم که دیدگاه دیگری به زن دارد و با توجه به این که واضح و رسا گفته شده است برخی در صدد تاویل بر میآیند و آنها را طور دیگری بیان می نمایند. شما بخوانید و تامل کنید.

### قرآن چه میگوید؟

در همه ادیان و حیانی میان عالم روحانی و زن فاصله میباشد. اما در اسلام حقوق و شخصیت زن را به صورت نهادین پنهان میکنند و به وی نقاب میزنند و می پوشانند. برای مثال از همه بیشتر روگرفتن و حجاب که جایگاه ویژه ای را در اسلام به خود اختصاص داده است.

یک موضوع دیگر که وضعیت زن در اسلام را به ما نشان میدهد تن ندادن یکی از زنان به نوع خاص خواسته های جنسی همسرش میباشد. دقیقا چه اتفاقی افتاده بود است؟. مردم قریش به از شیوه معمول همبستری با زنان خود با آنها از دُبر نیز لواط میکردند. یکی از زنان که از این موضوع ناراضی بود به نزد پیامبر میرود و از او در این مورد سوال میکند. پیامبر طبق معمول منتظر رسیدن وحی میشود. و جواب را که از طرف خداوندش نازل شده بود را چنین به زن میگوید:<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> سوره بقره - آیه ۲۲۳ که در مورد همبستری به مرد حق تصمیم گیری میدهد.

«زنان شما (در حکم) کشتزار شما هستند پس هرگونه که خواستید به کشتزارهای خویش درآید و برای خود پیش اندیشی کنید.»

در مورد این ایه نظریات مختلف میدادند بعضی نزدیکی از دبر را ممنوع میکردند. طبری ۴۱ نظریه را در این باب جمع اوری کرده است.<sup>۱</sup> ولی چیزی که پیداست قرآن حق تصمیم گیری را چنان که می بینیم به مرد داده است. این یک نمونه از حقوقی میباشد در باب نزدیکی که قرآن برای زنان قائل شده است.

قرآن در جای دیگر در رابطه با حقوق زن اشاره کرده است:<sup>۲</sup>

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي نَحَافُونَ  
نُشَوْرَهُنَّ فَحِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْفَاجِحِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ  
كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا «۳۴»

این ایه را میتوان به دو قسمت تقسیم کرد قسمت نخست چنین میگوید:

مردان را بر زنان حق تسلط و نگرهبانی است به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زن نفقه و مهریه دهند پس زنان شایسته و مطیع مردان و حافظ حقوق شوهرانشان باشند و آنچه را که خداوند به حفظ آن امر فرموده نگهدارند.

قسمت دوم چنین میگوید:

زنانی را که از مخالفت و نافرمانی آنها بیم ناکید نخست موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنها دوری کنید اگر باز مطیع نشدند آنها را به زدن تنبیه کنید. اگر اطاعت کردند دیگر حق هیچگونه ستم ندارید که خدا بزرگوار و عظیم الشان است.

در قسمت نخستن همانطور که پیداست و به صراحت گفته شده مردانی حق تسلط بر زنان دارند چون مهریه و نفقه به آنها داده اند. مانند این میماند که ما کنیزی را استخدام کنیم و او باید از ما فرمان ببرد زیر به او پول میدهیم و حق امر کردن بر او داریم.

در قسمت دوم ایه نیز چیزی که به صراحت گفته شده است به این شباهت دارد که شما برده یا مستخدمی یا کارگری داشته باشید و در زمانی که در امر کار سرپیچی کرد ابتدا موعظه سپس تندی و درنهایت تنبیه کنید. تفسیر دیگری از این ایه نمیتوان داشت. البته این است حقوق زن در قرآن. در هر حال

<sup>۱</sup> طبری جلد ۵ - ص ۱۷۹

<sup>۲</sup> سوره نساء - ایه ۳۴

این یکی از ایه ها بود از چندین ایه مشابه در سوره‌های مختلف. قصد این نیست که بخواهیم بگوییم قرآن حقوق زن را رعایت نکرده ما ایه ای را آوردیم قضاوت با خوانندگان.

در سوره نساء ایه ۲۰ نیز در باب حقوق زن چنین آمده است که:

و چگونه مهر آنها را خواهید گرفت در صورتی که هرکسی به حق خود رسیده (مرد به لذت و آسایش، و زن به مهریه و نفقه خود رسیده)<sup>۱</sup> در صورتی که آن زنان مهریه را در مقابل عهد محکم از شما گرفته اند.

در این ایه نیز چنان که مشاهده میشود گفته شده هرکسی به حق خود رسیده مرد به لذت و آسایش و زن نیز به مهریه و نفقه. چطور میتوان ایه را تفسیر کرد. زنی پولی (مهریه و نفقه) میگیرد که برای مرد لذت و آسایش فراهم کند.

در قسمتی از سوره بقره از ایه ۲۲۸ می فرماید: زنان را بر مردان حقی است مانند حقی که مردان بر زنان دارند یعنی همچنان که مردان حقوقی دارند که باید همسران رعایت کنند، زنان نیز حقوق دارند که شوهران باید رعایت کنند.

### پیامبر چه میگوید؟

همانطور که گفته شد دیگر چیزی که شخصیت و حقوق زن را در اسلام بر ما نمایان خواهد نمود سخنان پیغمبر میباشد که ما برخی از آن را ذکر می کنیم.

### بخاری در جایی گوید<sup>۲</sup>:

ابوبکر<sup>۳</sup> از پیامبر شنیده است که «انهای که اموالشان را به دست زنان میسپارند هرگز سعادتمند نخواهند شد» باید در مورد این جمله متذکر شویم که این حدیث در زمره احادیث صحیح جای گرفته و جزو چند هزار حدیثی میباشد که بخاری مورد تایید قرار داده است. ابوبکر گوید: پیامبر اسلام زمانی که شنید ایرانیان زنی را به حکومت برگزیده اند در این باب پرسش کرد و در پاسخ شنید که آنها (ایرانیان) دختری را به پادشاهی برگزیده اند در این زمان پیغمبر این حدیث را ذکر می کند. بنگرید این حدیث چه میخواهد بگوید. آیا قصد حقیر کردن زنان را دارد؟ سخن ابوبکر که اشاره به ایرانیان میکند آیا قصد این دارد که زنان ایرانی از نظر پیامبر زنانی نیک نیستند؟ آیا پیغمبر غیب میدانسته یا بر او الهام شده بود که پادشاهی این زن نیک نخواهد بود؟ البته چیزی که قبل از این پرسش ها باید دانست این است که حدیث

<sup>۱</sup> ابیاتی که ذکر میشود از ترجمه و تفسیر دکتر الهی قمشه ای است.

<sup>۲</sup> بخاری- صحیح - جلد ۱۴ . صفحه ۲۲۶

<sup>۳</sup> از اصحاب پیامبر که معروف است

در لغت به چم خبر یا هر چیز نو است اما از آن برای پند گرفتن استفاده میشود آیا پیامبر با این حدیث پندی به ما میدهد؟

### دیدگاه امام علی

امام علی نیز در خطبه ۷۹ نهج البلاغه گفته است که از زنان خوب بر حذر باشید. و در جای دیگر گفته است که همه چیز زن (اموال و صفاتش) بد است و بدتر چیزی که در او میباشد این است که مرد را چاره ای نیست از (بودن با) او<sup>۱</sup>. برخی تا چنین احادیثی را می شنوند میگویند همه احادیث را نمیتوان گفته خود ائمه دانست. و در مورد حدیث یاد شده این را میگویند که ائمه فرموده اند: اگر احادیثی از ما نقل کرده اند و مخالف قرآن بود از آن احادیث استفاده نکنید و کنار بگذارید و در قرآن هیچگاه چنین دیدگاهی در مورد زنان ندارد. ببینید نادانی در چه حدی است مگر قرآن تمام مسائل را ذکر کرده که به حد کتاب امام علی برسد، امام علی در نهج البلاغه خود در تمام موارد سخن رانده مثال افرادی که این احادیث را از ائمه نمیدانند مانند این میباشد که فردی چون گلستان سعدی را دوست دارد و از بوستان لذت نمیرد بگوید سعدی بوستان را نسروده است. بعضی دیگر میگویند چون زنان داری صفت تجمل گرای هستند و علاقه مند به مسائل ظاهری از قبیل زیور الات و ... معاشرت بیش از حد با این افراد باعث کاستی و عقبماندگی روحی و عقب ماندن از وظایف اصلی میگردد. داوری کنید دهان گشوده سخن رانده اند.

در خطبه هشتاد نهج البلاغه نیز اشاره به نقصان عقل زن شده است. گردآورنده نهج البلاغه چنین می گوید که بیاد داشته باشیم اولین عامل درگیری در حکومت علوی زنی به نام عایشه بود که زن پیغمبر اسلام میباشد. وی گوید این زن از مقام خود به دلیل دل پرکینه خود از علی بر ضد وی استفاده میکند و جنگهای جمل و صفین و نهروان و ریختن خون مردم را به خاطر احساسات زنانه عایشه میداند. چنان که همه میدانند علی از کسی کینه نداشته و طوری بر ما جا افتاده است که گوی نمیتوانست داشته باشد. در این صورت میتوان گفت که حضرت علی این خطبه را به خاطر کینه از عایشه گفته است؟ آیا میتوان گفت زنی ناقص العقل است و مردانی عاقل را پرورش میدهد؟

در هر حال زنان ایرانی در هر دینی که باشند همیشه در جامعه نقش داشته اند. بعد از اسلام نیز در ایران زنانی نامدار بودند که ما برخی از زنان را معرفی میکنیم.

<sup>۱</sup> حکمت ۲۳۰

## حجاب یا پوشش اجتماعی

چون در مورد زنان می نویسیم در مورد حجاب نیز باید سخن رود اما دلیل این که ابتدا آورده نشد یا به کوتاهی سخن گفته شد آن است که حجاب در اسلام بیشتر از ادیان دیگر تاکید شده و در اینجا میتوان به خوبی به حجاب پرداخت.

حجاب در لغت به معنای پرده و مانع میباشد. حجاب در اسلام یک اصل و بایا میباشد که زن اعضای بدن خود را بر نامحرم بیوشاند. اما پوشش یا حجاب در فرهنگ یک اصل است که ادمی در حد امکان اعضای بدن خود را از دیگران بیوشاند و این یک احترام میباشد. در تفسیر ایه « فاکلا منها فبدت لهما سواتهما » در سوره طه نوشته اند ادم و حوا در بهشت از آن شجره منهیة بخوردند و لباس آنها فرو ریخت و عورت یکدیگر را دیدند. این است که مفسران گویند ادمی از ابتدا حجابی داشته البته نه در حدی که اسلام مقرر کرده بلکه در حد پوشش عورت. و در باب نوشته مورخینی که آنها را از ابتدا بی لباس و عریان یاد کرده اند، چنین گویند که چگونه خدائی که انسان را از نیستی به هستی آورد و خوب و بد را و حلال و حرام را به او اموخت رهبری عریان به این عالم میفرستد!! اما باید این نکته را متذکر شوم که در قران هیچ ایه ای مبنی بر طرز پوشش نیامده است.

این است که میگویم حجاب یا پوشش از ابتدا بوده اما در دوره های مختلف تاریخ به دلیل فرهنگ و ادیان مقدار این حجاب یا پوشش متفاوت بوده است. اما سوالی های که از خود میکنیم این است که: دلیل حجاب چیست؟ مقدار حجاب چیست؟ آیا حجاب برای ما امنیت را فراهم میسازد؟ چرا حجاب نباشد؟

در جواب سوال اول پاسخ این است که همانطور که اشاره شد اگر در فرهنگ بنگریم که دین نیز یک نوع فرهنگ را برای ادمی ایجاد میکند، عریان بودن از ابتدا با توجه به تفسیری که از قران شده بود کاری زشت و گناه بود و یک بی احترامی تلقی میشد اما باز هم میگویم در دوره های مختلف تاریخ بسته به دانش و فرهنگ و ادیان نوع پوشش متفاوت بوده است. در باب سوال دوم پاسخ این است که اگر به دین توجه کنیم نوع و اندازه در آن مشخص شده است، اما اگر به دین توجه ای نداشته باشیم بسته به جامعه ای که در آن زندگی میکنیم نوع پوشش و آزادی آن متفاوت است. در جامعه ای مانند ایران که **جمهوری اسلامی** است حجاب یا پوشش حدی دارد که با توجه به دین اسلام باید آن را رعایت کرد و رعایت نکردنش جرم محسوب میشود خواه مسیحی باشید خواه زرتشتی و ... . در مورد سوال سوم باز هم باید به جامعه توجه کرد برای مثال ایران اسلامی به دلیل این که از هر نوع آزادی در پوشش جلوگیری نموده و یک بست ایجاد کرده اگر کسی با پوشش متفاوت از دیگران یعنی آزاد تر و باز تر به میان مردم بیاید باید بگویم نمیتواند امنیت داشته باشد. (خود براین واقفیم). در یک جمله: ادمی ذاتش چنین میباشد که اگر از چیزی منعش کنند و اطلاعی از خوبی و بدی آن نداشته باشد به سراغش میرود. تنها مثالی که میتوان در این باب زد این است که:

اگر بیاد داشته باشیم چند سال پیش از این ویدئو ممنوع بود و مردم با ترس و لرز این دستگاه را در بقچه های می پوشاندند و جا به جا میکردند گوی مدارک سیاسی کشوری را به یغما میبرند. مردم چنین میکردند تا بتوانند یک فیلم ویدئوی تماشا کنند. تا زمانی که این دستگاه به میان مردم جا افتاد و کسی و کسی دیگر نتوانست جلوی آن را بگیرد. این است که میگویم تا زمانی که وضعیت حجاب در ایران چنین باشد بیرون آمدن زنان با رخت ازاد تر هم کاری بد به حساب میاید و هم امنیت خود را به خطر انداخته است.

در پاسخ سوال چهارم باید بگویم که زنده یاد **احمد کسروی** در کتاب خود<sup>۱</sup> همین سوال را کرده و جوابی برای آن آورده است. وی نوشته های در مورد زنان در سال ۱۳۱۲ نوشته و در سال ۱۳۲۳ آنها را گردآوری و به صورت یک کتاب به چاپ رسانده است. کسروی در این کتاب گوید حجابی که باعث شود زن سر تا پای خود را بپوشاند نمی گذراد زن در جامعه فعالیت داشته باشد. وی مثالی از زنی نامدار به نام **قره فاطمه** میزند که جلوی حمله روسها ایستادگی کرد و میگوید زنانی با چادر و چاقچور چنین نتوانند کرد. اما هستند کسانی که میگویند امروزه زنان با حجاب کامل در جامعه فعالیت دارند. ما نیز گفته آنها را قبول داریم اما کسروی آن کتاب را برای دوره ای نوشته است که زنان خانه نشین می بودند حق تحصیل نداشتند و بهترین سرگرمی آنها گوش دادن به روضه سرگذشت سکینه ربابه بوده است. دوره ای که رضا شاه میگفت تنها زمانی که میتوان زنان را به حساب آورد هنگام **بسیج خواربار** می باشد. در مورد نبودن حجاب اسلامی یعنی حجابی که اسلام گفته است باید بگویم زنان مسلمان ایران آنچه که اسلام در مورد حجاب گفته است را باید رعایت کنند اما این قسمت سخن در باب اقلیت های مذهبی میباشد. چندی پیش از این که شروع به نوشتن این مطلب کنم با یکی از دوستان به نام خانوم شهناز سیاوشی که زرتشتی هستند در مورد وضعیت حجاب در زرتشت و پوشش خودشان در محیط بیرون گفتگو کردیم. خانوم سیاوشی چنین گفت که: در شریعت زرتشت هیچ دستوری مبنی بر طرز پوشش یا حجاب وجود ندارد و چیزی که میدانیم آن است که با توجه به پندار و کردار نیک پوششی داشته باشیم اما در مورد حجابی اسلامی که همه ایرانیان موظف به اجرائش هستند نمیتوانم بگویم موافق نیستم زیرا جامعه طوری میباشد که یک زن با پوششی ازادتر امنیت خود را به خطر می اندازد این است که در هر صورت باید موافق باشم.

### سخن آخر در باب حجاب

هرچه زن و مرد را از یک دیگر تفکیک کنند موقعیت زن در جامعه به خطر خواهد افتاد. خبرهای که می گوید برای زنان کتابخانه احداث شد. یا خبری مبنی بر احداث پارکی برای بانوان چه چیزی را میرساند. آیا به این شیوه رفتار کردن درست میباشد؟ اگر به این شیوه پیش رود و هر روز زنان را از مردان جدا کنند در آینده زنان میتوانند بیرون محافظ شخصی که آن هم باید یک زن باشد در خیابان رفت و آمد کنند؟ شاید می

<sup>۱</sup> خواهران و دختران ما

خواهند روزی در هر شهری یک دیوار بزرگ بکشند و در یک سو زنان و در سوی دیگر مردان را قرار دهند. مثالی که در مورد ویدئو زدم آیا درست نیست؟ اگر از ابتدای تحصیل دختران را با پسران وارد یک مدرسه کنند در حالی که دختر حجاب خود را دارد باعث نمیشود که رمیدگی زن نصبت به مرد از بین رود؟ مردان را با زنان چه تفاوتی است که این دو جنس را از هم جدا میسازند؟ خود باید چاره ای کنیم.

### قره العین زن بزرگ ازادی خواه



اگر بخواهیم در مورد ازادی زنان سخن بگویم نشایست که در مورد قره العین سخن نگویم.

وی در سال ۱۱۹۶ خورشیدی برابر با ۱۸۱۸ میلادی در قزوین و در خانه مجتهد شهر به نام حاج ملامحمد صالح بزغانی با نام **فاطمه** و لقب **زرین تاج** به دنیا آمد. لقب **قره العین** را بعدها پیروان شیخیه و لقب **طاهره** را پیروان بابیه به او دادند. وی ابتدا مقدمات علم را در محضر پدر با خواهر خود اموخت و بعد آن به تحصیل اصول، فقه و کلام پرداخت وی در ۱۳ سالگی به عقد پسر عموی خویش در آمد.

«قره العین» علاوه بر تواناییها و آمادگیهای ذهنی خویش، در محیط پرورشی مناسبی هم رشد کرد و این امر نیز در شکوفایی استعدادهایش تأثیر بسزایی داشت. پدر و عموهای او اهل ادب و کتابت بودند چنانکه امروزه نیز دهها جلد از تألیفات آنها در بین کتب خطی موجود است. وی از کودکی معلم سرخانه داشت. علاوه بر این، پدر و عموهایش نیز در نزدیکی محل سکونت خود، دو مدرسه داشتند که یکی از آنها مدرسه‌ای جهت آموزش طلبه‌ها و دیگری مدرسه‌ای کوچک برای آموزش فرزندان پسر و بستگان خود بود که «قره العین» از جلسات درس این مدرسه استفاده می‌کرد و چون عشق به فراگیری داشت به جلسه‌های مباحثه‌ی پدر و عموزاده‌ها هم کشانده می‌شد.

بنابراین جای شگفتی نیست که او در اوان جوانی، علاوه بر ادبیات فارسی و آشنایی با شعر و شاعری، با ادبیات عرب، فقه، اصول و کلام نیز آشنا شده باشد. «طاهره» در شانزده سالگی غزل می‌سرود و در تعبیر و تفسیر آیات قرآن چنان مسلط بود که پدر، همیشه این حسرت را داشت که کاش او پسر می‌بود تا با آن همه توانایی ذهنی و دانش، امکان بیشتری برای گسترش دانش و بینش در میان مردم در اختیار می‌گرفت.

«قره‌العین» شاعری آزادیخواه بود که به دلیل باورهای فکری خود مورد غضب اکثر تاریخ‌نویسان و صاحب‌قلمان درباری عصر خود واقع شد و به همین دلیل هرگز آن‌چنان که باید و شایسته‌ی شخصیت انقلابی و برجسته‌ی اوست به مردم معرفی نشده‌است.

وی در عین حال که در یک برش تاریخی، شخصیت برجسته‌ای به‌شمار می‌آید، می‌تواند نمونه‌ی درخور توجهی برای زنان ایران در مبارزات آزادیخواهانه و حق‌طلبانه‌ی آنان باشد. اما در این گذرگاه نمی‌توان به سادگی باورهای مذهبی وی را نادیده گرفت و تنها از اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی او سخن گفت. از این دیدگاه، او، شخصیتی پیش‌آهنگ در مبارزه‌ی زنان ایران برای رهایی از اسارت‌های گوناگون اجتماعی بوده است که باید بیش از این‌ها بدان پرداخته شود.

یکی از اشعار معروف این زن آزادی‌خواه به نام چهره به چهره

شرح دهم غم تو را، نکته به نکته مو به مو  
کوچه به کوچه، در به در، خانه به خانه، کو به کو  
غنچه به غنچه، گل به گل، لاله به لاله، بو به بو  
دجله به دجله، یم به یم، چشمه به چشمه، جو به جو  
رشته به رشته، نخ به نخ، تار به تار، پو به پو  
صفحه به صفحه، لا به لا، پرده به پرده، تو به تو

گر به تو افتدم نظر، چهره به چهره، رو به رو  
از پی دیدن رخت، همچو صبا فتاده‌ام  
دور دهان تنگ تو، عارض عنبرین خط  
می‌رود از فراق تو، خون دل از دو دیده‌ام  
مهر تو را دل حزین، بافته بر قماش جان  
در دل خویش «طاهره»، گشت و نجست جز تو را

در مورد قره‌العین چه گفته‌اند

دکتر چین، روحانی انگلیسی

بذری که که طاهره در سرزمین اسلامی افشاند به تدریج رو به سرسبزی است و حاصلش یکی دو قرن دیگر هویدا میشود. افتخار این بانوی بزرگ ایرانی آن است که دفتر اصلاحات اجتماعی اولین بار به دست او باز شد.



**ژرور آژان، عضو فرهنگستان فرانسه در اواخر قرن نوزده**

در عالم مسیحیت زنانی بودند که دوش به دوش مردان دست به کارهای بزرگ زدند و قره العین به تنهای در جهان اسلام این کار را کرد.

**دکتر لوول جانسون، محقق افریقای جنوبی**

در ایران تا مدت‌ها زنان و مادران به دختران خود میگفتند، اگر می خواهی مثل طاهره شوی باید درس بخوانی. طاهره نمادی از کمال بود.

بعد از قره العین زنان دیگری نیز راه وی را ادامه دادند که برخی را نام میبریم.

**بیبی خانوم وزیراف**

وی اولین کسی بود که مدرسه دخترانه را به هزینه خود بنا نهاد و در همان ابتدا سید علس شوشتری و شیخ فضل الله نوری جلوی کار او را گرفتند و وی را مجبور به تعطیل کردن مدرسه کردند. اینها پدران همان کسانی هستند که امروز خود مکانهای مخصوص برای دختران احداث میکنند تا با این کار نیز جلوی رشد فرهنگی را در جامعه بگیرند و دو جنس مرد و زن را دشمن یک دیگر کنند. بعد از به توپ بسته شدن مجلس مدرسه ای که بی بی خان احداث کرده بود به شرطی که فقط دختران ۴ تا ۶ سال را بپذیرد گشوده شد.

**طوبی آزموده**

وی اولین کسی بود که مدرسه ای برای دختران رو بسته و حرم نشن احداث کرد و نام آن را **ناموس** گذاشت آزموده را نیز مورد در فشار قرار دادند اما وی مقاومت از خود نشان داد و مدرسه ناموس را پابرجا نگه داشت.

**مهر تاج رخشان**

او در سال ۱۲۹۹ شمسی مدرسه ای به نام **ام مدرسه** را تاسیس کرد. روپوشی که در این مدرسه بکار گرفته شد به این صورت بود که به کلاهی وصل بود و دختران به جای چادر این روپوش را استفاده میکردند. به همین دلیل ملایان بسیاری با وی به مخالفت پرداختند. (ما نمیدانیم اینها کی ساز مخالف نمیزند)

### صدیقه دولت ابادی

وی در سال ۱۲۹۶ شمسی مدرسه ای دخترانه در سطح مملکتی تاسیس کرد. او خود دختر یک روحانی بود اما مورد ازار و اذیت آنها قرار میگرفت. از دیگر کارهای بزرگ وی تاسیس اولین مجله زنان به نام **زبان زنان** میباشد. این اولین مجله ای بود که به قلم زنان و برای زنان نوشته میشود.

بودند زنان دیگر که میتوان از آنها، محترم اسکندری، مریم اردلان، فخر اعظمی ارغوان، وارتو طریان، نور الهدای منگنه، فخر افاق پارسی، فاطمه سیاح و... را نام برد که هر یک در امر آزادی زنان دستی داشتند و برای این امر تلاش میکردند. (به این میاندیشم زنان اکنون نیز چنین توانند بود، حتما توانند بود)

### چند سخن از بزرگان در مورد زن

- ✚ اگر تربیت زن و مرد یکسان بود، نیرو و فراست آنان نیز برابر میشد. (منتسکیو)
- ✚ اگر میخواهید اندازه تمدن و پیشرفت ملتی را بدانید، به زنان آن ملت بنگرید. (ناپلئون)
- ✚ تمدن نتیجه نفوذ زنان پارساست. (امرسون)
- ✚ تنها وجود زنان است که به این زندگانی سراسر ملال، قدر و منزلتی میدهد. اگر زن در جهان وجود نداشت، زندگی تحمل ناپذیر بود. (آنا تول فرانس)
- ✚ زن را محترم نمیدارد، مگر مرد کریم و او را خوار نمیشمارد، مگر شخص لئیم. (اسلام)
- ✚ زنان شمع و چراغ خانه اند. (حضرت محمد)
- ✚ زن زیباترین و عزیزترین موجودات جهان است. (کنفسیوس)
- ✚ زن مخلوقی است که در او لطیفترین و صمیمیتترین فضائل را میتوان پیدا کرد. (جونسون)
- ✚ زن یگانه وجودی است که حقیقت عشق پاک را میشناسد. (شیلر)
- ✚ مردان قانون وضع میکنند، زنان اخلاق بوجود میآورند. (کندروسیه)
- ✚ من به هیچ زنی برنخوردم که چیزی از بزرگی در او نباشد. (موریس مترلینگ).

## این شعر از از بزرگ زنان ایران به نام پروین اعتصامی در باب زنان میباشد.

پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود  
 زن چه بود آن روزها، گر زان که زندانی نبود  
 کس چو زن، در معبد سالوس قربانی نبود  
 در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود  
 آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود  
 در نهاد جمله گرگی بود، چوپانی نبود  
 سرنوشت و قسمتی، جز تنگ میدانی نبود  
 این ندانستن ز پستی و گرانجانی نبود  
 خرمن و حاصل نبود آنجا که دهقانی نبود  
 بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود  
 در گلستان، نام از این مرغ گلستانی نبود  
 زیرک آن زن کاو رهش این راه ظلمانی نبود  
 با زمرّد یاره و لعل بدخشانی نبود  
 عزت از شایستگی بود، از هوسرانی نبود  
 قدر و پستی، با گرانی و به ارزانی نبود  
 گوهر تابنده، تنها گوهر کانی نبود  
 زیور و زر، پرده‌پوش عیب نادانی نبود  
 جامه‌ی عجب و هوا، بهتر ز عریانی نبود  
 پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود  
 وای اگر آگه از آیین نگهبانی نبود  
 زان که می‌دانست کان جا، جای مهمانی نبود  
 توشه‌ای و رهنمودی، جز پشیمانی نبود  
 چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود  
 ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود  
 ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود  
 مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود  
 زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت  
 کس چو زن، اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد  
 در عدالتخانه‌ی انصاف، زن شاهد نداشت  
 دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب  
 بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لیک  
 از برای زن به میدان فراخ زندگی  
 نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند  
 زن کجا بافنده می‌شد بی‌نخ و دوک هنر  
 میوه‌های دگه‌ی دانش فراوان بود، لیک  
 در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان  
 بهر زن، تقلید تیه فتنه و چاه بلاست  
 آب و رنگ از علم می‌بایست شرط برتری  
 جلوه‌ی صدپرنیان، چون یک قبای ساده نیست  
 ارزش پوشنده، کفش و جامه را ارزنده کرد  
 سادگی و پاک‌ی و پرهیز، یک یک گوهرند  
 از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن  
 عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده‌ست و بس  
 زن سبکساری نبیند تا ترانسنگ است و پاک  
 زن چو گنجور است و عفت، گنج و حرص و آزدزد  
 اهرمن بر سفره‌ی تقوی نمی‌شد میهمان  
 پا به راه راست باید داشت، کاندرا راه کج  
 چشم و دل را پرده می‌بایست، اما از عفاف  
 خسرو، دست توانای تو، آسان کرد کار  
 شه‌نمی‌شد گر در این گمگشته کشتی ناخدای  
 باید این انوار را پروین به چشم عقل دید